# رجحان تفریق نمازهای یومیه

این رساله مقاله‌ای است که حضرت آیة اللَه حاج سیّد محمّد محسن حسینی طهرانی قدّس اللَه سرّه

دربارۀ رجحان تفریق صَلَوات یومیّه بر اساس مبانی حضرت علاّمه طهرانی ـ رضوان اللَه علیه ـ

و بسیاری از عرفاء و علماء جلیل القدر به رشته تحریر درآوردند.

بسم اللَه الرّحمن الرّحیم

الحمد للّه ربّ العالمین

و الصلاةُ علیٰ خاتَمِ رُسُلِه أبی القاسمِ محمّد، و علیٰ آلِه الطّاهرین

و اللّعنةُ علیٰ أعدائِهم أجمَعین

 بر ارباب معرفت و صاحبان بصیرت مخفی نماند که اهمّ فرائض و اوجَب وظائف، شناخت مبانی دین مبین و اتّباع سنن سیّد مرسلین علیه و علی آله افضل صلوات المصلّین به نحو اتمّ کما هو هو، می‌باشد و سلوک طریق کمال و وصول به ذِروۀ فعلیّت و سَداد را گزیری از این مَمشیٰ و مَنهج نمی‌باشد.

 از جمله مواردی که به اتّفاق فریقین بر آن تأکید شده است رعایت اوقات صلوات یومیّه و اداء آنها در وقت مخصوص به خود می‌باشد. این مسئله قطعاً در زمان رسول اکرم و ائمّه هدی صلوات اللَه علیهم أجمعین از سنن مؤکّده و معمولٌ‌بها بوده است و اهل‌سنّت بر این مسأله تأکید و مداومت می‌نمایند؛ درحالی‌که مع‌الأسف نه‌تنها در بین شیعه متروک و مغفول است بلکه چه‌بسا مَنهیّ و مورد انکار و استغراب قرار گرفته، و بدعت شمرده می‌شود! درحالی‌که مکتب حقّ تشیّع از همۀ فِرَق اولیٰ و احقّ به متابعت از سنن اسلام و انقیاد در برابراحکام و دستورات شرع انور می‌باشد، تا جایی که این مطلب از طرف اخوان سنّت و جماعت به عنوان نقطه انحراف و انصراف از سنّت و عمل رسول‌اللَه تلقّی گشته، موجب تعییر و تنقیص مرام و ممشای پیروان اهل‌بیت عصمت و طهارت گردیده است؛ و آیۀ شریفۀ: ﴿لَّقَدۡ كَانَ لَكُمۡ فِي رَسُولِ ٱللَهِ أُسۡوَةٌ حَسَنَةٞ لِّمَن كَانَ يَرۡجُواْ ٱللَهَ وَٱلۡيَوۡمَ ٱلۡأٓخِرَ وَذَكَرَ ٱللَهَ كَثِيرٗا﴾[[1]](#footnote-1) اشاره به اهمیّت حیاتی و نیاز مبرم به این طریقه و روش می‌نماید.

## آیات صریحه در متابعت از سنن نبیّ اکرم صلّی اللَه علیه و آله و سلّم

و همین‌طور آیۀ شریفۀ: ﴿وَرَحۡمَتِي وَسِعَتۡ كُلَّ شَيۡءٖ فَسَأَكۡتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَٱلَّذِينَ هُم بِ‍َٔايَٰتِنَا يُؤۡمِنُونَ \* ٱلَّذِينَ يَتَّبِعُونَ ٱلرَّسُولَ ٱلنَّبِيَّ ٱلۡأُمِّيَّ ٱلَّذِي يَجِدُونَهُۥ مَكۡتُوبًا عِندَهُمۡ فِي ٱلتَّوۡرَىٰةِ وَٱلۡإِنجِيلِ يَأۡمُرُهُم بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَنۡهَىٰهُمۡ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيۡهِمُ ٱلۡخَبَـٰٓئِثَ وَيَضَعُ عَنۡهُمۡ إِصۡرَهُمۡ وَٱلۡأَغۡلَٰلَ ٱلَّتِي كَانَتۡ عَلَيۡهِمۡ فَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِهِۦ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَٱتَّبَعُواْ ٱلنُّورَ ٱلَّذِيٓ أُنزِلَ مَعَهُۥٓ أُوْلَـٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ﴾[[2]](#footnote-2)

در این آیات به طور اکید و صریح به متابعت از سنن نبیّ اکرم و اتّباع از افعال و منهاج او سخن به میان آمده است.

 بدین لحاظ، راقم سطور بر آن شده است تا در خصوص این مسئله که موجب تفرقه و تمایز بین فریقین به ناحقّ و به‌طور غیر‌منطقی و اصولی گردیده است، مقاله‌ای به رشتۀ تحریر درآورَد تا موجب تذکّر و تنبّه اخلاّء روحانی و فضلاء ـ کثّر اللَهُ أمثالهم ـ و آشنایی اخوان مؤمنین نسبت به این سنّت مقطوعه و لا یُتَردّد در فقه شیعه و عامّه گردیده؛ باشد که با تغییر روش در اقامۀ صلوات یومیّه و اداء آن در اوقات مخصوصۀ خود تقریب به افق‌های مشترک و وحدت در مبانی و احکام متّفق بین‌الفریقین حاصل، و بهانه از دست تفرقه‌افکنان و مخرّبین گرفته شود؛ و من اللَه التّوفیق و علیه التَّکلان.

 طرح مسئلۀ اداء صلوات رسول اللَه صلّی اللَه علیه و آله و سلّم هم در کتب اهل‌سنّت و هم در کتب سیرۀ خاصّه با اختلافاتی آمده است.

 امّا در کتب عامّه روایات در این مسئله بسیار است و ما فقط به ذکر برخی از آنها اکتفاء می‌کنیم.

## احادیثی از عامّه راجع به ادای نمازهای پنج‌گانه در اوّل وقت آن

 در سنن ابی‌داوود وارد است:

حَدَّثَنا محمّدُ بنُ عبدِ اللَه الخُزاعی... عن اُمّ فَرْوَةَ قالت: سُئل رسولُ اللَه صلّی اللَه علیه (وآله) و سلّم أیُّ الأعمالِ أفضلُ؟ قال: الصّلاةُ فی أوّلِ وَقتِها.[[3]](#footnote-3)

«از رسول خدا سؤال شد کدام عمل نزد پروردگار افضل است؟ در پاسخ فرمود: ”نماز در اوّل وقت خود.“»

 و نیز سعید‌بن‌مسیّب از أبا‌قتادة‌بن‌ربعی روایت می‌کند که:

قال رسولُ اللَه صلّی اللَه علیه (وآله) و سلّم: قال اللَهُ تعالی: إنّی فَرضتُ علیٰ اُمّتِکَ خَمسَ صلواتَ و عَهِدتُ عندی عَهدًا أنّه مَن جاءَ یُحافِظُ علیهنّ لِوَقتِهنّ أدخَلتُه الجَنَّةَ و مَن لَم یُحافِظ عَلیهنّ فلا عَهدَ لَه عِندی.[[4]](#footnote-4)

«از رسول خدا روایت شده است که خدای متعال خطاب به آن حضرت می‌فرماید:

من پنج نوبت نماز بر امّت تو واجب گردانیدم و با خود عهد نمودم که اگر فردی از امّت تو بر این پنج نماز در اوّل وقت خود محافظت و مواظبت نماید او را داخل بهشت بگردانم و کسی که بر این مسئله مواظبت ننماید هیچ تعهّد و مسئولیّتی را در قبال او نخواهم پذیرفت.»

 نظیر این روایات در این کتاب و سایر کتب عامّه نیز موجود است و نیازی به ذکر همۀ آنها نیست، فقط از باب تأکید به یکی دیگر از آنها اکتفاء می‌شود.

عَن عَبد‌اللَه الصّامِت، عَن أبی‌ذرّ قال: قَال لی رسولُ اللَه صلّی اللَه علیه (وآله) و سلّم: یا أباذرُ، کَیفَ أنتَ إذا کانَت عَلَیکَ اُمَراءُ یُمیتونَ الصّلاةَ؟ أو قال: یُؤَخّرونَ الصّلاةَ؟ قُلتُ: یا رسولَ اللَهِ فَما تَأمُرنِی؟ قال: صَلِّ الصّلاةَ لِوَقتِها فِإن أدرَکتَها مَعهُم فَصَلِّها فِإنّها لَکَ نافِلَةٌ.[[5]](#footnote-5)

«اباذر می‌گوید: رسول خدا به من فرمود: ”ای اباذر، چگونه خواهی بود در وقتی که حاکمان وقت نماز را بمیرانند یا اینکه به تأخیر اندازند؟“ عرض کردم: ”شما چه می‌فرمایید؟“ حضرت فرمود: ”هرگاه وقت نماز شد آن را در اوّل وقتش به‌جای آور، پس اگر دیدی آنان نیز نماز را اقامه کردند به‌جای نافله با آنان نیز نماز را اقامه نما!“»

 واضح است که این خطاب در حال تقیّه است، زیرا هیچ الزامی بر نماز پس از اداء آن نمی‌باشد؛ و یا اینکه ممکن است حتّی در شرایط عادی به‌جهت رعایت جماعت بوده باشد.

 و اما راجع به اوقات صلوات، تمام روایات بر این نکته دلالت دارند که: وقت نماز صبح اوّل فجر صادق، و نماز ظهر هنگام زوال شمس از وسط آسمان، و نماز عصر رسیدن سایۀ شاخص به‌اندازۀ خود او، و نماز مغرب استتار قرص خورشید از افق، و نماز عشاء از بین رفتن حمرۀ مغربیّه در ناحیه مغرب می‌باشد.

## روایاتی راجع به اوقات فضیلت صلوات خمسه

 مسلم‌بن‌ابراهیم از محمّد‌بن‌عَمرو روایت می‌کند که می‌گوید: از جابر‌بن‌عبداللَه انصاری کیفیّت نمازهای رسول‌اللَه صلّی اللَه علیه (وآله) و سلّم را سؤال نمودیم، گفت:

کانَ یُصلِّی الظّهرَ بالهاجِرةِ، و العَصرَ وَ الشّمسُ حَیّةٌ، و المَغربَ إذا غَرُبَت الشّمسُ، و العِشاءَ إذا کَثُرَ النّاسُ عَجّلَ و إذا قَلّوا أخّرَ، وَ الصُبحَ بغَلَسٍ.[[6]](#footnote-6)

«رسول خدا نماز ظهر را هنگام زوال خورشید به‌جای می‌آورد، و عصر را در وقت تلألؤ قبل از میل به تیرگی، و مغرب را وقت استتار قرص خورشید، و عشاء را پس از مغرب وقتی که جمعیّت در مسجد اجتماع کرده بودند به‌جای می‌آورد، و وقتی که افراد کم بودند به تأخیر می‌انداخت، و وقت نماز صبح رسول‌اللَه آخرین اوقات تاریکی شب یعنی طلوع فجر صادق بوده است.»

 و امّا راجع به کراهت تأخیر نماز مغرب أحنف‌بن‌قیس از عبّاس عموی رسول خدا روایت می‌کند:

عن النّبیّ صلّی اللَه علیه (وآله) و سلّم قال: لا تَزالُ اُمّتی بِخَیرٍ ما لَم یَنتَظِروا بالمَغرِبِ اشتِباکَ النّجومِ.[[7]](#footnote-7)

«رسول خدا فرمود: پیوسته امر امّت من بر خیر و صلاح خواهد بود تا وقتی که برای اداء نماز مغرب ستارگان را در آسمان مشاهده ننمایند.»

 و راجع به وقت نماز عشاء نعمان‌بن‌بشیر روایت می‌کند:

و اللَهِ إنّی لأعلَمُ النّاسِ بِوقتِ هَذِه الصّلاةِ یَعنی صَلاةَ العِشاءِ. کانَ رسولُ اللَه صلّی اللَه علیه (وآله) و سلّم یُصَلّیها لِسُقوطِ القَمَرِ لِثالِثهِ.[[8]](#footnote-8)

«قسم به خدا من از تمامی این مردم به وقت فضیلت نماز عشاء آگاه‌ترم! رسول خدا پیوسته نماز عشاء را پس از گذشت ثلث از شب به‌جای می‌آورد.»

## روایاتی راجع به فضیلت تأخیر نماز عشاء از زوال حُمرۀ مغربیّه

 از بعضی روایات استفاده می‌شود حتی تأخیر نماز عشاء از زوال حمرۀ مغربیّه نیز افضل است، چنانچه در روایت ابو‌عامر اشعری از ابوموسی آمده است:

قال: کُنتُ أنا و أصحابی الّذینَ قَدِموا معی فی السّفینَة نُزولاً فی بَقیعِ بَطْحان و رسول اللَه صلّی اللَه علیه (وآله) و سلّم بالمدینة فکان یَتَناوبُ رسولَ اللَه صلّی اللَه علیه (وآله) و سلّم عند صَلاةِ العِشاءِ کُلّ لَیلةٍ نَفَرٌ منهم.

قال أبوموسی: فَوافَقنا رسولَ اللَه صلّی اللَه علیه (وآله) و سلّم أنا وَ أصحابی و له بَعضُ الشّغلِ فی أمرِه حتّی أعتَمَ بالصّلاةِ حتّی ابْهارَّ اللّیلُ،[[9]](#footnote-9) ثمّ خَرَجَ رسولُ اللَه صلّی اللَه علیه (وآله) و سلّم فَصَلّی بِهم؛ فَلمّا قَضَی صَلاتَهُ قالَ لِمَن حَضرَه: علَی رِسْلِکُم[[10]](#footnote-10) اُعَلِّمُکُم و أبشِروا أنّ مِن نِعمَةِ اللَهِ عَلیکُم إنّه لَیسَ مِن النّاسِ أحدٌ یُصَلّی هَذهِ السّاعَةِ غَیرُکُم، أو قال ما صَلّی هَذهِ السّاعَةِ أحدٌ غَیرُکُم.

قال ابو موسی: فَرَجَعنا فَرحین بما سَمِعنا مِن رسولِ اللَه صلّی اللَه علیه (وآله) و سلّم.[[11]](#footnote-11)

 از این روایت استفاده می‌شود نماز عشای رسول خدا حتّی نزدیک به انتصاف لیل بوده است.

 و نیز روایات دیگری از جمله روایت «أبابرزه» دلالت بر تأخیر نماز عشاء رسول خدا دارد؛ أبابرزه گوید:

کانَ رسولُ صلّی اللَه علیه (وآله) و سلّم اللَه لا یُبالی بَعضَ تأخیر صَلاةِ العشاءِ إلَی نصف اللّیلِ و کانَ لا یُحِبُّ النّومَ قبلَها وَ لا الحَدیثَ بعدَها. قال شُعَبَةُ: ثمَّ لَقیتُهُ مَرّةً اُخرَی فقال: أو ثُلثُ اللّیلِ.[[12]](#footnote-12)

این روایت دلالت دارد که معمولاً نماز رسول خدا پس از گذشتِ ثلث از شب انجام می‌پذیرفته است.

 و در جملۀ این موارد، ذکری از جمع بین نماز ظهر و عصر و یا مغرب و عشاء توسّط رسول خدا نشده است؛ بلی در بعضی از روایات آمده که وقتی مأمومین در مسجد زیاد بودند رسول خدا نماز عشاء را زودتر می‌خواندند، نه اینکه بین آن و نماز مغرب جمع نمایند.

## سنّت و سیرۀ رسول خدا بر تفرقه و تقسیم نمازهای یومیّه به پنج وقت فضیلت

 از مجموعه روایات و تقریر سیرۀ عامّه استفاده می‌شود که سنّت و سیرۀ رسول خدا صلّی اللَه علیه و آله و سلّم در اداء نمازهای یومیّه بر تفرقه و تقسیم آنها به پنج وقت فضیلت خود بوده است و اگر گاهی جمع بین آنها می‌نمودند به ندرت و به‌واسطه عروض شرایط خاصی بوده است.

 و اما تقریر مطلب از طریق روایات اهل‌بیت علیهم السّلام بدین صورت است:

 محمّد‌بن‌یحیی از أبی‌بصیر از امام صادق علیه السّلام روایت می‌کند که فرمود:

مَن صَلّیٰ فِی غَیرِ وَقتٍ فَلاَ صَلاةَ لَهُ.[[13]](#footnote-13)

«کسی که در غیر وقتِ نماز، آن را به‌جای آورَد پذیرفته نخواهد شد.»

 این روایت به‌وضوح دلالت دارد که نماز در غیر وقت فضیلت خود، مورد رضای الهی نیست؛ زیرا کاملاً واضح است که مقصود امام علیه السّلام نمازِ قبل از حلول وقت نیست، چون این مطلب از ضروری‌ترین مسائل است و احتیاجی به تذکّر و تنبّه ندارد؛ و اطلاق روایت، هر دو موردِ تقدیم نماز و تأخیر آن را از وقت فضیلت شامل می‌شود.

## احادیثی از طریق اهل بیت علیهم السّلام در باب اداء صلوات خمسه در اوّل وقت آن

 نیز روایتی در عیون‌الاخبار از امام رضا از پدرانشان از رسول خدا صلّی اللَه علیه و آله و سلّم نقل می‌کند که فرمودند:

قالَ رسولُ اللَه صَلّی اللَه علیهِ و آلِه و سلّم: لا یَزالُ الشَّیطانُ ذَعِراً مِنَ المُؤمِنِ ما حافَظَ علیٰ مَواقیتِ الصَّلَواتِ الخَمسِ فإذا ضَیَّعَهُنَّ اجْتَرأ علَیهِ فأدخَلَهُ فی العَظائِمِ.[[14]](#footnote-14)

«رسول خدا صلّی اللَه علیه و آله و سلّم فرمودند: پیوسته شیطان از مؤمنی که نمازهای خود را در اوقات مخصوصۀ خود به‌جای آورد برکنار است، پس اگر در انجام آنها کوتاهی ورزید به او نزدیک شده و او را به گناهان کبیره وارد می‌نماید.»

 روایت دیگر از شیخ طوسی از حسین‌بن‌سعید ... از امام صادق علیه السّلام است که فرمود:

لِکُلِّ صَلاةٍ وَقتانِ و أوّلُ الوَقتَینِ أفضَلُهُما وَ لاَ یَنبَغِی تَأخِیرُ ذَلِکَ عَمدً‌ا ولَکِنَّهُ وَقتُ مَن شُغِلَ أو نَسِیَ أو سَها أو نامَ وَ لَیسَ لأحَدٍ أن یَجعَلَ آخِرَ الوقتَینِ وَقتاً إلاّ مِن عُذرٍ أو عِلّةٍ.[[15]](#footnote-15)

«هر نمازی دو وقت دارد و بهترین از آن دو، وقت اوّل است و سزاوار نیست تأخیر نماز عمداً؛ و لکن خدای متعال برای افرادی که کار لازمی برایشان پیش آمده یا فراموش کرده‌اند یا سهو نموده‌اند و یا خواب آنان را بازداشته است وسعتی داده تا بتوانند آن را انجام دهند؛ و کسی نمی‌تواند آخر وقت را در نظر آورد و نماز را در آخر وقت بخواند مگر به‌جهت عذری و یا گرفتاری و ناراحتی که مانع شود.»

 و اما بعضی از روایات که دلالت بر دخول وقت هر دو نماز را در اول زوال و یا غروب خورشید دارند صرفاً به‌جهت کفایت و اِجزاء نماز است، نه افضلیّت و رجحانِ نماز دوم؛ مثل:

### روایت صدوق

محمّد بنُ علیِّ بنِ الحسَینِ بإسنادِهِ عَن زُرارَةَ عن أبی جعفرٍ علیه السّلام قال: إذا زالَتِ الشّمسُ دَخَلَ الوَقتانِ الظّهرُ و العصرُ فإذا غابَتِ الشّمسُ دَخَلَ الوقتانِ المَغرِبُ و العِشاءُ الآخِرَةُ.[[16]](#footnote-16)

«امام باقر علیه السّلام فرمودند: هنگام زوال خورشید وقت نماز ظهر و عصر است و هنگام غروب آن وقت نماز مغرب و عشاء است.»

 بنابراین این روایات منافاتی با روایاتی که دلالت بر فضیلت نماز در اوّل وقت هر کدام به‌خصوص است ندارد.

## ترجیحِ اقامۀ نماز در اول وقت، نسبت به وقت مشترک

 بناءً‌علی‌هذا طبق روایات و سنن مأثوره از کتب اهل سنّت و نیز احادیث وارده از ائمّۀ معصومین علیهم السّلام شکی باقی نمی‌ماند خواندن نماز در اوّل وقت هرکدام قطعاً افضل از وقت مشترک بین آن دو می‌باشد، و جمیع فقهاء ـ رضوان اللَه علیهم ـ بر این مطلب در کتب خود اقرار و اعتراف نموده‌اند.

 بلی در صورت اداء آن در وقت مشترک مُجزی و کفایت از وجوب خواهد کرد، لیکن مسئله اینجاست چرا و به چه علّت این سنّت مسلّمه از زمان رسول خدا صلّی اللَه علیه و آله و سلّم و در طول تاریخ حیات ائمّه معصومین علیهم السّلام از میان جماعت شیعه رخت بربسته و به کلّی نَسیاً‌مَنسیًّا گشته به‌نحوی که اگر فردی بخواهد به این سنّت عمل کند فعل او خلاف سیرۀ مستمرّه و عادت متعارفه تلقّی گشته و چه‌بسا مورد اتّهام و تأسّی به اهل‌سنّت و جماعت واقع گردد؟![[17]](#footnote-17) ولی در میان عامّه به‌طور مُتقَن و محکم رائج و دارج می‌باشد، و خود این مسئله موجب طعن و ایراد بر مذهب و مکتب حقّ اهل بیت علیهم السّلام گردد؟! آیا نباید برای این مسئله فکر و چاره‌ای اندیشید و سنن متداوله معمولة‌ٌ‌بها در شیعه منطبق بر موازین حقّه و منزّلۀ مِن عندِ اللَه و مَعمولۀ نزد اهل‌بیت عصمت و لواداران شریعت محمّدیه قرار گیرد؟

 امید است به‌لطف و عنایت پروردگار توفیق قیام به سنن قطعیّه و تأسّی به منهج و ممشای لواداران مکتب تشیّع شامل همۀ شیعیان و پیروان اهل بیت علیهم السّلام گردد. آمین.

جمعه ٢٥ جمادی الثانی ١٤٢٧ قم المقدسّة

سیّد محمّدمحسن حسینی طهرانی[[18]](#footnote-18)

1. سوره الأحزاب (٣٣) آیه ٢١. الله‌شناسى، ج‏1، ص 350:

«هرآينه تحقيقاً از براى شما در رسول خدا اسوه و الگوى زيبایى وجود دارد، براى كسى كه اميد به خدا و روز آخرت دارد و خداوند را زياد ياد می‌کند.» [↑](#footnote-ref-1)
2. سوره الأعراف (٧) ذیل آیه ١٥٦ و آیه ١٥٧. ترجمه:

«و رحمت من هرچيز را فراگرفته است، ليكن من آن رحمت را به‌خصوص براى مردمان متّقى و پرهيزگار که زکات می‌دهند مى‏نويسم و مقرّر می‌دارم، و نیز آنان‌که به آیات ما ایمان می‌آورند \* كسانى كه اطاعت و پيروى مى‏كنند از فرستاده و پيامبر درس‏نخوانده‏اى كه وى را در كتاب آسمانىِ تورات و انجيل، نزد خودشان نوشته يافته‏اند؛ كه به كارهاى معروف و پسنديده آنها را امر مى‏كند، و از كارهاى منكر و زشت بازشان مى‏دارد، و طيّبات و چيزهاى خوب و پاك را برايشان حلال مى‏كند، و چيزهاى خبيث و ناپاك را از ايشان منع مى‏نمايد، و زنجيرها و غل‏ها و بارهاى سنگينى را كه بر آنان حمل مى‏شده است، از آنان برمى‏دارد. بنابراين كسانى كه به‏ او ايمان آورده‏اند، و او را مُوَقَّر و مكرّم و معزّز داشته‏اند، و يارى و اعانت نموده‏اند، و از نورى كه ما با او فروفرستاده‏ايم متابعت كرده‏اند؛ حقّاً و تحقيقاً ايشان‌اند كه به فلاح و رستگارى مى‏رسند.» (محقق) [↑](#footnote-ref-2)
3. سنن ابی داود، ج ١، باب فی المحافظة علی وقت الصلوات، ص ١٠٥، ح ٤٢٦. [↑](#footnote-ref-3)
4. همان مصدر، ص ١٠٦، ح ٤٣٠. [↑](#footnote-ref-4)
5. همان مصدر، باب اذا اخّر الامام الصلاة عن الوقت، ص ١٠٦، ح ٤٣١. [↑](#footnote-ref-5)
6. همان مصدر، باب فی وقت صلاة النّبی صلی اللَه علیه (وآله) و سلّم و کیف کان یصلّیها، ص ٩٩، ح ٣٩٧. [↑](#footnote-ref-6)
7. سنن دارمی، باب کراهیة وقت المغرب، ج ١، ص ٢٧٥. [↑](#footnote-ref-7)
8. همان مصدر، باب وقت العشاء. [↑](#footnote-ref-8)
9. لسان العرب: ابهارّ اللّیل و ابهیرارا اذا انتصف و قیل تراکبت ظلمتُه. [↑](#footnote-ref-9)
10. شرح مسلم، ج ٥، ص ١٤١: فقوله رِسلِکم بکسر الراء و فتحها لغتان، الکسر أفصح و أشهر أی تأنّوا و قوله «أنّ من نعمة اللَه» معمول لقوله اُعَلِّمُکُم. [↑](#footnote-ref-10)
11. صحیح مسلم، ج ٢، باب وقت العشاء و تأخیرها، ص ١١٧. [↑](#footnote-ref-11)
12. همان مصدر، ج ٢، باب کراهیة تأخیر الصلاة عن وقتها، ص ١٢٠. ترجمه:

«رسول خدا صلّی اللَه علیه (وآله) و سلّم باکی نداشت که نماز عشاء کمی و تا نیمۀ شب به تأخیر افتد و دوست نداشت کسی قبل از آن بخوابد و نه پس از آن سخن بگوید. شعبه گوید: پس از مدّتی دوباره سَیّار را ملاقات کردم و این بار او با تردید گفت: یا تا یک‌سوّمِ شب.» (محقق) [↑](#footnote-ref-12)
13. وسائل الشّیعة، ج ٣، ابواب المواقیت، باب ١٣، ص ١٢٣، ح ١٠. [↑](#footnote-ref-13)
14. همان مصدر، باب ١، ص ٨١، ح ١٤. [↑](#footnote-ref-14)
15. همان مصدر، باب ٣، ص ٨٧، ح ٤. [↑](#footnote-ref-15)
16. همان مصدر، باب ٤، ص ٩١، ح ١ [↑](#footnote-ref-16)
17. مهر فروزان، ص 91:

«یکی دیگر از مسائل و جریاناتی که موجب شد بسیاری از علمای طهران با ایشان [= مرحوم علامه طهرانی رضوان الله علیه] به مخالفت برخیزند، تفریق بین صلاتَین ظهر و عصر در ماه مبارک رمضان بود.

در روایات مستفیضه، بلکه متواتره وارد است که مستحب است بین صلوات یومیّه تفریق انداخت؛ و هر نمازی را در وقت مختصّ به خود و هنگام فضیلت آن به‌جای آورد. و جمع بین صلوات گرچه در بعضی از روایات آمده است، ولی صرفاً دالّ بر مشروعیّت آن است، نه استحسان و فضیلت. و متأسّفانه امروزه قاطبۀ شیعه عمل به آن را متروک، و خود را از این فضیلت عظما محروم نموده‌اند؛ در مقابلْ عامّه و اهل‌سنّت که اکیداً آن را رعایت می‌نمایند و هر نمازی را در وقت فضیلت خود به‌جای می‌آورند، و همواره بر شیعه در کیفیّت انجام فرائض معترض می‌باشند و حق هم در این مورد با آنهاست؛ گرچه در قول به وجوب افتراق راه خطا پیموده‌اند و جواز جمع در نزد شیعه مسلّم می‌باشد.

ایشان [= مرحوم علامه طهرانی رضوان الله علیه] در یکی از سنوات بعد از اقامۀ فریضۀ ظهر، چند دقیقه‌ای به بیان مسائل شرعیّه پرداخته، آن‌گاه خود مباشرتاً به وعظ می‌پرداختند. منبر ایشان بیش از یک ساعت به طول می‌انجامید. آن‌گاه از منبر پایین آمده و نماز عصر را به جماعت به‌جای می‌آوردند. و چون این روش مخالف با طریقۀ ائمۀ جماعات بود، لذا کم‌کم زمزمه‌هایی در مخالفت با این سنّت سنیّه و دستور اکید اسلامی برخاست.

ایشان می‌فرمودند:

روزی به زیارت حضرت عبدالعظیم حسنی سلام اللَه علیه مشرّف شده بودم. پس از اداء نماز تحیّت، یکی از معمّمین آمد و پهلوی من نشست و گفت: ”آقا شنیده‌ام شما بین نماز ظهر و عصر تفرقه می‌اندازید؟“ گفتم: ”بله!“ گفت: ”آقا این عمل بدعت است.“ گفتم: ”آیا شما سواد فارسی دارید؟!“ آن معمّم بسیار ناراحت شد و گفت: ”این چه سؤالی است؟!“ گفتم: ”کتاب جامع عبّاسیِ شیخ بهایی را بردارید و مطالعه کنید؛ در آنجا این مسئله را متعرّض شده‌اند!“\*

عجبا از این همه جهالت، که سنّت اکیدۀ رسول خدا و ائمۀ هدی را بدعت و ضلالت می‌شمرند!»

\* جامع عبّاسی، ص ١١٥:

«و تأخیر نماز اوّل وقت به‌غایت مکروه است، مگر در چند جا که تأخیر نماز از اوّل وقت سنّت است؛ و از آن جمله دوازده جا که مشهورتر است مذکور می‌سازیم:

اول: تأخیر نمازِ خفتن [= عشاء] تا وقتی که سرخی مغرب برطرف شود؛ و بعضی از مجتهدین این تأخیر را واجب می‌دانند.

دوم: تأخیر نماز ظهر در بلادی که هوا به‌غایت گرم می‌شود تا وقتی که گرمی هوا کمتر شود.

سوم: تأخیر نماز عصر تا وقتی که سایه که بعد از زوال حادث شده، مساویِ شاخص شود... .» [↑](#footnote-ref-17)
18. مطلع انوار، ج 1، ص 87، تعلیقه. [↑](#footnote-ref-18)